

تأملی بر امتیازات اسناد تجاری و زمینه‌های جانشینی چک به جای سایر اسناد تجاری

یوسف درویشی هویدا*

تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۱

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۵

چکیده

قانونگذار به منظور رواج هرچه بیشتر اسناد تجاری و استفاده زیادتر اشخاص از این اسناد، امتیازات مختلفی را برای اسناد تجاری در نظر گرفته است. بخشی از این امتیازات به عنوان امتیازات مشترک در مورد هر سه سند تجاری برات، سفته و چک اعمال می‌شود؛ اما بخشی دیگر به عنوان امتیازات خاص چک، تنها به این سند تجاری اختصاص یافته است. در مقابل امتیازات مشترکی که در مورد هر سه سند تجاری قابل اعمال است، امکان تعقیب کیفری صادرکننده چک پرداخت نشدنی، امکان وصول وجه چک از طریق اجرائیه ثبتی، محاسبه خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ سررسید چک، مسئول بودن شخصی که به وکالت یا نمایندگی چک را صادر می‌کند، ناچیز بودن حق تمبر مالیاتی، عدم اجبار دارنده چک به قبول بخشی از مبلغ چک و رسیدگی فوری و خارج از نوبت دعاوی حقوقی و کیفری مربوط به چک از جمله مزایای مهمی است که قانونگذار تنها در مورد چک قائل گردیده است. اعطای امتیازات خاص به چک موجب شده است در میان اسناد تجاری جایگاه ویژه‌ای پیدا کند و با حذف نمودن برات از صحنه تجارت داخلی، در موارد زیادی به عنوان جایگزین سفته، ایفای نقش نماید. این مقاله تلاش دارد تا با بررسی امتیازات مشترک اسناد تجاری و امتیازات خاص چک، زمینه‌های جایگزینی چک به جای اسناد تجاری دیگر را مورد واکاوی قرار دهد.

واژگان کلیدی: اسناد تجاری، چک، سفته، برات، امتیازات. مطالعات فقهی

پرتال جامع علوم انسانی

*استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

yousefdarvishihoveyda@yahoo.com

مقدمه

اسناد تجاری که در تألیفات حقوقی گاه به جای آنها از اصطلاحات مشابهی مانند «اسناد تجاری»، «اسناد براتی»، «اسناد مالی»، «اوراق تجاری»، «اسناد جانشین پول»، «اسناد و مدارک تجاری» و عبارت‌های مشابه آن استفاده شده است (خزاعی، ۱۳۸۵، ص ۲۶؛ ستوده تهرانی، ۱۳۷۴، ص ۱۳؛ عرفانی، ۱۳۹۰، ص ۱؛ حسنی، ۱۳۸۹، ص ۱۳؛ صقری، ۱۳۸۷، ص ۲۲؛ اسکینی، ۱۳۷۴، ص ۶، سماواتی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۳، اخلاقی، ۶۷-۱۳۶۶، ص ۳)،^۱ اسنادی هستند که بیانگر مبلغ پول با سررسید مشخص می‌باشند و به دارنده سند حق می‌دهند که در سررسید آن، مبلغ مندرج در سند را از متعهد و در صورت عدم پرداخت، از سایر مسؤولان پرداخت سند تجاری دریافت کند.

نویسندگان حقوقی، در مورد مصادیق اسناد تجاری، مصداق‌های یکسانی را ذکر نکرده‌اند. در کنار برات، سفته و چک، اسناد دیگری مانند قبض رسمی انبار (warrant)، اوراق سهام و برگه‌های قرضه، بارنامه و اسناد اعتباری، اوراق بهادار، سند در وجه حامل، اسکناس، اسناد خزانه، ضمانت‌نامه‌های بانکی، بارنامه‌ها اعم از دریایی، زمینی و هوایی نیز در تألیفات حقوقی به عنوان مصادیق اسناد تجاری به شمار آمده‌اند (ستوده تهرانی، ۱۳۷۴، ص ۱۳؛ اسکینی، ۱۳۷۴، ص ۱۳؛ صقری، ۱۳۸۷، ص ۱۷؛ اخلاقی، ۶۷-۱۳۶۶، ص ۲۹) و گاه دفاتر تجاری موضوع ماده ۶ قانون تجارت نیز به عنوان مصداق‌های اسناد تجاری در مفهوم عام آن ذکر شده است (خزاعی، ۱۳۸۵، صص ۲۶ و ۲۷).

با وجود اختلاف نظر در مورد مصادیق اسناد تجاری در مفهوم عام آن، حقوقدانان در این باره نظر واحدی دارند که اسناد مزبور در گستره خاص خود سه سند مهم چک، سفته و برات را در برمی‌گیرند (افتخاری، ۱۳۸۴، ص ۴۲؛ کاتبی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۲، ص ۲۵؛ پروین، ۱۳۸۱، ص ۹۲).^۲

۱- در قوانین نیز از عناوین مختلفی در مورد اسناد تجاری استفاده شده است. در ماده ۳۷۳ قانون تجارت، اصطلاح «اسناد تجاری» و در تبصره ماده ۲۴۴ همین قانون، «اوراق تجاری» و در بند ج ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، «اوراق تجاری» و اخذ شده به کار رفته است.

۲- «اسناد تجاری به مفهوم عام، همه اسناد متداول در حوزه تجارت را شامل شده و تعداد آنها بسیار است؛ اما اسناد تجاری به مفهوم خاص، اسناد جایگزین پول هستند که چک، سفته و برات از مصادیق بارز آنهاست» (کاویانی، ۱۳۸۹، ص ۹).

در حقوق فرانسه نیز با اینکه اسناد تجاری را منحصر به سه سند یاد شده نمی‌دانند اما مصادیق خاص این اسناد، سه سند رایج چک، سفته و برات را در برمی‌گیرد و بحث‌ها حول محور این سه سند متمرکز می‌گردد (Roblot, 1975, p.7; Ripert, 1981, p.95; Gavalda, 1978, pp.17&23).

قانون تجارت ایران مصوب ۱۳۱۱ نیز در باب چهارم خود مقررات مربوط به سه سند برات، فته طلب (سفته) و چک را بیان نموده است بدون آن که این سه سند را ذیل عنوان کلی و مشترک «اسناد تجاری» قرار دهد.

همچنان که استفاده از اسناد تجاری برای اشخاص تاجر و غیر بازرگان فواید زیادی دارد، رواج هرچه بیشتر این اسناد و جایگزین کردن آنها به جای پول، برای دولت‌ها نیز منافع زیادی را به همراه دارد (کاویانی، ۱۳۸۹، ص ۱۸، صقری، ۱۳۸۷، ص ۲۷۰؛ اسکینی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۰).^۱

قانونگذار ما نیز به منظور بالا بردن اعتبار اسناد تجاری و با هدف حمایت از دارنده سند تجاری و رواج هرچه بیشتر اسناد تجاری، مزایای متعددی را در قوانین مختلف، از جمله قانون تجارت، قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و قانون صدور چک در خصوص این اسناد در نظر گرفته است؛ هرچند بیشتر برتری‌های اسناد تجاری در مقام مقایسه با اسناد عادی دیگر قابل طرح است اما در عین حال اسناد تجاری از برخی مزایا برخوردار می‌باشند که سند رسمی نیز از آن مزایا بهره‌مند نیست. مزایای قانونی اسناد تجاری، در مورد چک برجستگی بیشتری دارد و قانونگذار در میان اسناد تجاری، توجه بیشتری به این سند تجاری مبذول داشته است. به همین دلیل مزایای اسناد تجاری در دو قسمت قابل طرح است. بخشی از این امتیازات بین هر سه سند تجاری مشترک است؛ یعنی چک، سفته و برات به عنوان اسناد تجاری، از این مزایا بهره‌مند هستند، اما بخش دیگری از این مزایا خاص چک است که لازم است به طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرند.

۱- از جمله فواید استفاده از اسناد تجاری برای اشخاص می‌توان به مشکلات مربوط به جابجایی و شمارش پول به ویژه در معاملات نقدی با مبالغ بالا، مدت‌پذیر نبودن پول و مشکلات مربوط به پرداخت‌های نقدی اشاره کرد. از دیدگاه دولت‌ها نیز می‌توان کاهش نقدینگی و هزینه‌های مربوط به چاپ اسکناس و مشکلات مربوط به تأمین امنیت معاملات نقدی را از جمله منافع به کارگیری اسناد تجاری برشمرد (کاویانی، ۱۳۸۹، ص ۱۸).

۱) امتیازات مشترک چک، سفته و برات

۱-۱) مسؤولیت تضامنی امضاکنندگان اسناد تجاری

شاید بتوان گفت که مهم‌ترین مزیت اسناد تجاری، پیش‌بینی مسؤولیت تضامنی امضاکنندگان این اسناد در مقابل دارنده سند تجاری است. دارنده سند تجاری در صورت عدم وصول وجه آن در سررسید، می‌تواند با رعایت تشریفات قانونی به دلخواه خود، به هر یک از امضاکنندگان سند تجاری مراجعه کند یا جمعاً علیه همه آنها اقامه دعوا کرده و پرداخت وجه سند را از آنان مطالبه نماید (کاویانی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۳؛ صقری، ۱۳۸۷، ص ۱۵۷؛ ستوده تهرانی، ۱۳۷۴، ص ۱۵؛ کاتبی، ۱۳۸۷، ص ۲۰۳؛ افتخاری، ۱۳۸۴، ص ۴۰؛ عبادی، ۱۳۸۱، ص ۲۴۳).

مسؤولیت تضامنی در اسناد تجاری، مزیت بسیار مهم آن به شمار می‌رود؛ زیرا در حقوق ما، اصل بر مسؤولیت مشترک (نسبی) یا غیر تضامنی است و مسؤولیت تضامنی جنبه استثنایی دارد (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ص ۲۰۷؛ صقری، ۱۳۸۷، ص ۱۵۶؛ خزاعی، ۱۳۸۵، ص ۳۳). اصل مسؤولیت تضامنی که در ماده ۲۴۹ قانون تجارت و در فصل مربوط به برات بیان شده است طبق مواد ۳۰۹ و ۳۱۴ همان قانون در مورد سفته و چک نیز حاکم می‌باشد؛ بنابراین، مسؤولان پرداخت سند تجاری که در مقابل دارنده سند تجاری مسؤولیت تضامنی دارند، صادرکننده سند تجاری، ظهرنویس و ضامن (و نیز برات‌گیری که برات را قبول کرده است) می‌باشند. تنها در مورد ضامن چک، یکی از اساتید حقوق تجارت معتقد است که ضامن چک مسؤولیت تضامنی ندارد و «اگر محقق شود که امضاکننده چک تحت عنوان ضامن صادرکننده و یا ظهرنویس آن سند، مداخله کرده باشد چاره‌ای نیست جز آن که مسؤولیت او را در مقررات قانون مدنی جستجو کنیم و بدون هیچ‌گونه تردید، نمی‌توان مستنداً به مقررات حاکم بر اسناد تجاری او را مورد تعقیب و مراجعه قرار داد» (فخاری، ۱۳۷۷، ص ۱۷). ارائه این نظر به ویژه بر قسمت دوم ماده ۳۱۴ قانون تجارت متکی است که طبق عقیده نویسندگان، بین «اقامه دعوی» و «ضمان»، حرف عطف «و» در متن اصلی قانون وجود ندارد و حرف «و» میان واژگان مزبور بعداً بر اثر اشتباه، اضافه

۱- طبق این نظر، قسمت دوم ماده ۳۱۴ قانون تجارت بدین صورت می‌باشد: «... لیکن مقررات این قانون از ضمانت صادرکننده و ظهرنویس‌ها و اقامه دعوی ضامن و مقفود شدن راجع به بروات شامل چک نیز خواهد بود».

گردیده است (فخاری، ۱۳۷۷، ص ۱۱)؛ اما نویسندگان حقوقی دیگر، بر مسؤلیت تضامنی ضامن چک اتفاق نظر دارند (اسکینی، ۱۳۸۸، ص ۷۳؛ کاویانی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۳؛ قائم مقام فراهانی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۶؛ صقری، ۱۳۸۷، ص ۳۱۰؛ خزاعی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۱؛ عرفانی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۳؛ حسنی، ۱۳۸۹، ص ۷۸) و رویه قضایی ما نیز تردیدی در دارا بودن مسؤلیت تضامنی ضامن چک و پذیرش دعوا علیه ضامن صادرکننده یا ضامن ظهرنویس چک ندارد و در آرای متعددی ضامن چک به همراه سایر امضاکنندگان چک به صورت تضامنی محکوم گردیده‌اند (زند، ۱۳۹۰، ص ۱۹۶؛ سلطانیان، ۱۳۸۸، ص ۸۹).

۲-۱) قابلیت نقل و انتقال ساده

یکی از مزایای مهم اسناد تجاری، قابلیت نقل و انتقال ساده و سریع این اسناد است. دارنده سند تجاری می‌تواند سند را از طریق ظهرنویسی و در صورتی که سند تجاری در وجه حامل باشد از طریق اقباض، به شخص دیگری منتقل نماید و دارنده اخیر نیز از این امتیاز برخوردار است و انتقال سند می‌تواند بارها تکرار گردد (صقری، ۱۳۸۷، ص ۲۱؛ خزاعی، ۱۳۸۵، ص ۸۸؛ ستوده تهرانی، ۱۳۷۴، ص ۴۸؛ نیک فرجام، ۱۳۹۲، ص ۱۸۰). بدین ترتیب، امکان ظهرنویسی در اسناد تجاری و قابلیت نقل و انتقال ساده این اسناد، به وصف «جایگزینی» اسناد تجاری به جای پول، عینیت بیشتری می‌بخشد و تعابیری مانند «اسناد جانشین پول» (کاویانی، ۱۳۸۹، ص ۱۸) یا «اسناد قابل انتقال - قابل معامله»^۱ که به جای اصطلاح اسناد تجاری به کار گرفته می‌شود (Richardson, 1980, p.3; furmston and chuah, 2010, p.334) بیش از هر چیز نشانگر قابلیت نقل و انتقال ساده اسناد تجاری و ایفای نقش آنها به جای پول است. قابلیت نقل و انتقال ساده اسناد تجاری به عنوان یکی از اوصاف اصلی اسناد تجاری و نیز به عنوان یکی از امتیازات مهم این اسناد، به دارنده سند تجاری اجازه می‌دهد که سند تجاری را از طریق «ظهرنویسی» به شخص دیگری منتقل سازد (Gavalda, 1978, p.17; Rodière, 1978, p.102; Roblot, 1975, p.2, Ripert, 1981, p.159).

هرچند ظهرنویسی، تنها راه انتقال سند تجاری نیست و اسناد تجاری از راه‌های دیگری مانند فوت دارنده سند تجاری (وراثت) و قبض و اقباض سند تجاری در وجه حامل

1- Negotiable instruments.

نیز منتقل می‌گردند اما روش معمول و اصلی انتقال سند تجاری، ظهرنویسی است (Roblot, 1975, p. 225). هرچند اسناد غیر تجاری نیز از لحاظ نظری قابلیت انتقال دارند اما بنا به دلایلی، از قبیل عدم وجود مسؤلیت تضامنی، مورد انتقال واقع نمی‌شوند. پس «اگر بدهکار ضمن سند عادی تعهد کند که مبلغی را در وعده معین به طلبکار یا هرکس که سند را در تصرف دارد بپردازد هیچ منعی وجود ندارد که دادگاه بر مبنای مفاد سند، به سود متصرف رأی دهد، منتها تأسیس چنین سندی که از تضمین‌های قانون تجارت بی‌بهره است برای هر دو طرف خطرناک است و به همین دلیل نیز مانند آن در عرف کمتر دیده می‌شود» (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ص ۲۷۴).

۳-۱) معافیت از تودیع خسارت احتمالی جهت صدور قرار تأمین خواسته

طبق قاعده کلی، خواهان جهت صدور قرار تأمین خواسته باید خسارتی را که ممکن است به طرف مقابل وارد آید نقداً در صندوق دادگستری تودیع نماید. تعیین میزان خسارت احتمالی با در نظر گرفتن میزان خواسته، به نظر دادگاهی است که درخواست تأمین را می‌پذیرد و اجرای قرار تأمین، موکول به ایداع مبلغ خسارت احتمالی خواهد بود (ماده ۱۰۸ ق.آ.د.م و تبصره ذیل آن).

اما در سه مورد، بدون تودیع خسارت احتمالی و با درخواست خواهان، دادگاه مکلف به صدور و اجرای قرار تأمین خواسته است؛ نخست، دعوا مستند به سند رسمی باشد (بند الف ماده ۱۰۸ ق.آ.د.م)؛ دوم، خواسته در معرض تضییع یا تفریط باشد (بند ب ماده ۱۰۸ ق.آ.د.م).^۱ اما سومین مورد این است که مستند دعوا سند تجاری باشد.

بند ج ماده ۱۰۸ ق.آ.د.م، به عنوان موارد صدور قرار تأمین خواسته مقرر می‌دارد: «در مواردی از قبیل اوراق تجاری وخواست شده که به موجب قانون، دادگاه مکلف به قبول درخواست تأمین باشد».

ماده ۲۹۲ قانون تجارت نیز که در مورد چک و سفته هم حکومت دارد به فوریت صدور قرار تأمین خواسته در خصوص برات اشاره نموده است.

۱- البته برای اینکه دادگاه به استناد بند (ب) و بدون گرفتن خسارت احتمالی از خواهان مبادرت به صدور و اجرای قرار تأمین خواسته نماید باید در معرض تضییع و تفریط بودن خواسته برای دادگاه محرز گردد و خواهان با ارائه دلایل و قراین لازم، دادگاه را در این خصوص متقاعد سازد (شمس، ۱۳۸۵، ص ۴۳۱).

۴-۱) عدم پذیرش تأمین دعوای واهی، در دعوای مستند به سند تجاری

در صورتی که مستند دعوای خواهان، سند تجاری باشد خوانده نمی‌تواند تقاضای تأمین دعوای واهی نماید. قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، پس از آن که در ماده ۱۰۹ به خوانده حق می‌دهد که برای تأدیه خسارت ناشی از هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل که ممکن است خواهان محکوم شود، از دادگاه تقاضای تأمین نماید در ماده ۱۱۰ خود مقرر می‌دارد: «در دعوایی که مستند آنها چک یا سفته یا برات باشد و همچنین در دعوای مستند به اسناد رسمی و دعوای علیه متوقف، خوانده نمی‌تواند برای تأمین خسارات احتمالی خود تقاضای تأمین نماید». برخلاف قرار تأمین خواسته که دارنده سند تجاری را در صورتی که واخواست (اعتراض عدم تأدیه) نموده باشد از سپردن خسارت احتمالی معاف کرده است، در تأمین دعوای واهی، صرف این که مستند دعوا اسناد تجاری باشد خوانده را از ایراد مزبور محروم می‌سازد (شمس، ۱۳۸۵، ص ۳۰).

۵-۱) عدم امکان اخذ تأمین از اتباع بیگانه، در دعوای مستند به اسناد تجاری

چنانچه مستند دعوای تبعه بیگانه، سند تجاری باشد طرح دعوا نیاز به سپردن تأمین ندارد. ماده ۱۴۴ ق.آ.د.م، اتباع دولت‌های خارج را که خواهان طرح دعوا علیه اتباع ایران هستند و در صورت تقاضای خوانده (فقط تبعه ایران)، مکلف به سپردن تأمین نموده است؛ لکن ماده ۱۴۵ قانون فوق، اتباع بیگانه را در مواردی، از سپردن تأمین معاف ساخته است که یکی از این موارد، دعوای راجع به برات، سفته و چک می‌باشد. در اینجا هم مانند ایراد تأمین دعوای واهی، محرومیت خوانده از ایراد، موکول به واخواست (اعتراض عدم تأدیه) نشده است؛ بنابراین، اگر تبعه بیگانه، علیه خوانده ایرانی که سفته را صادر کرده است طرح دعوا کند خوانده نمی‌تواند به استناد بیگانه بودن خواهان، ایراد نماید بی‌آنکه این محرومیت وابسته به انجام واخواست باشد (شمس، ۱۳۸۵، ص ۳۵).

۶-۱) اختیار دارنده سند تجاری در انتخاب مرجع صالح، از لحاظ صلاحیت**محلی**

غیر از محل اقامت خوانده به عنوان قاعده کلی در تعیین مرجع صالح محلی، ماده ۱۳ ق.آ.د.م، به خواهان اجازه داده است که در دعوای بازرگانی و دعوای راجع به اموال منقول که از عقود و قراردادهای ناشی شده باشد به اختیار خود، به دادگاه محل انعقاد قرارداد یا

دادگاه محل اجرای تعهد مراجعه نماید.

حال، اگر مستند دعوا اسناد تجاری باشد، آیا در تمام موارد، خواهان از اختیار تعیین مرجع صالح از لحاظ محلی برخوردار است یا این اختیار تنها در جایی است که دعوا بازرگانی باشد؟

با توجه به اختلاف نظر موجود میان دادگاه‌ها در این مورد، هیأت عمومی دیوان عالی کشور با جاری دانستن این اختیار در تمام موارد، به این اختلافات پایان داد. رأی وحدت رویه شماره ۶۸۸ مورخ ۱۳۸۵/۳/۲۳ با تلقی اسناد تجاری به عنوان مال منقول، برای کلیه دارندگان چک این اختیار را قائل شد که به انتخاب خود به هر یک از سه دادگاه صالح مراجعه نمایند (برای مطالعه تحلیلی این رأی ر.ک: عابدیان، ۱۳۸۶، صص ۴۷ به بعد).

هرچند رأی وحدت رویه شماره ۶۸۸ در خصوص چک بوده است اما با توجه به عدم خصوصیت چک از این لحاظ، تردیدی در تسری رأی مزبور بر برات و سفته وجود ندارد. در کنار امتیازات و تسهیلات فوق، یکی دیگر از مزایای اسناد تجاری، که در قانون آیین دادرسی مدنی سابق (مصوب ۱۳۱۸) مذکور افتاده بود رسیدگی اختصاری به دعاوی مربوط به برات و دعاوی چک و سفته که از طرف تجار و برای امور تجاری صادر می‌شد به عنوان دعاوی بازرگانی بود. در قانون ذکر شده، اصل بر رسیدگی دعاوی به صورت عادی بود که دعوا بدون تشکیل جلسه و بر مبنای تبادل لوایح مورد رسیدگی قرار می‌گرفت و رسیدگی اختصاری، امتیاز سرعت در رسیدگی و صدور حکم را در برداشت (متین دفتری، ۱۳۷۸، صص ۳۸۱ به بعد).

در حال حاضر این امتیاز در مورد اسناد تجاری و به طور کلی تر دعاوی بازرگانی مطرح نیست؛ زیرا پس از تصویب ماده ۱۱ لایحه قانونی تشکیل دادگاه‌های عمومی مصوب ۱۳۵۸/۷/۱۰، رسیدگی به کلیه دعاوی حقوقی به صورت اختصاری انجام می‌پذیرد و دادرسی عادی در مرحله بدوی از نظام قضایی ما حذف گردیده است.

۷-۱) حمایت اصول حاکم بر اسناد تجاری از دارنده سند تجاری

اصول متعددی بر اسناد تجاری حکومت دارند که موجب افزایش اعتبار آنها گشته‌اند؛ در

واقع، احترام به حقوق دارنده سند تجاری که به ظاهر سند تجاری اعتماد نموده است^۱ و نیز ایجاد اطمینان اشخاص جامعه جهت پذیرش سند تجاری به عنوان جایگزین پول و قابلیت انتقال و ظهنویسی این اسناد (کاویانی، ۱۳۸۹، صص ۱۴۳ و ۱۴۴) ایجاب می‌نماید که اولاً، دارنده سند تجاری بتواند به طور آزادانه به هر یک از مسؤولان پرداخت سند تجاری مراجعه کند و امضاکننده سند تجاری نباید بر مبنای روابط شخصی خود با سایر مسؤولان پرداخت سند تجاری و طرح ایرادات، از مسؤولیت خود در مقابل دارنده سند تجاری شانه خالی کند. ثانیاً، دارنده باید بتواند در صورت عدم اعتبار هر یک از امضاهای امضاکننده سند تجاری، به دیگر صاحبان امضا مراجعه کنند و نباید بی‌اعتباری یکی از امضاها موجب عدم اعتبار سایر امضاها گردد (صقری، ۱۳۸۷، ص ۵۳).

۱-۷-۱) اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات

اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات بدین معنا است که هر یک از امضاکنندگان اسناد تجاری، در مقابل دارنده سند تجاری و بر مبنای خود سند تجاری مسؤولیت دارند. مسؤولیت پرداخت در مقابل دارنده سند تجاری، مسؤولیتی است مجزا و ناشی از خود سند، که با تعهد اصلی و پایه که سند تجاری به علت آن صادر شده و یا مورد ظهنویسی و نقل و انتقال قرار گرفته است ادغام نمی‌شود.

می‌توان اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات بر مبنای وصف تجریدی اسناد تجاری را به عنوان یکی از اوصاف مهم اسناد تجاری نیز توجیه نمود؛ بدین معنی که سند تجاری و تعهد مندرج در آن باید به صورت مجرد و تعهدی جدا از تعهد اصلی که مبنای صدور یا ظهنویسی سند تجاری بوده است در نظر گرفته شود.

پس بی‌اعتباری تعهدات پایه که موجب صدور یا ظهنویسی سند تجاری می‌شود به تعهد مندرج در سند تجاری خللی وارد نمی‌سازد و روابط میان امضاکنندگان سند تجاری، به عنوان «روابط شخصی» قلمداد می‌گردد که در مقابل دارنده سند تجاری قابل استناد

۱- یکی از مصادیق «اعتبار صحت ظاهری در حقوق تجارت» در اسناد تجاری است که طبق آن، سند تجاری به خودی خود دارای ارزش است. پس «اگر براتی صادر شده و در معاملات تجاری دست به دست می‌گردد به لحاظ صحت ظاهری آن و اعتماد معامله‌کنندگان به اوراق تجاری است؛ در واقع، سند مزبور دارای ارزش مستقل بوده و به اراده شخص تحریرکننده بستگی ندارد» (صقری، ۱۳۹۰، ص ۱۰۵).

نیست؛ بنابراین، صادرکننده یا سایر امضاکنندگان سند نمی‌توانند بر مبنای توجیهاتی مانند فسخ یا بطلان و به طور کلی، عدم اعتبار قرارداد پایه و اصلی که مبنای صدور یا ظهنویسی سند تجاری بوده است خود را در برابر دارنده سند تجاری مسؤول ندانند(بهرامی، ۱۳۸۲، ص ۴۸؛ اخلاقی، ۶۷-۱۳۶۶، ص ۱۲۳).

اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات، به عنوان اصل کلی، دارای استثنائاتی است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به ایرادات شکلی در سند، جعل امضا و ایراد عدم اهلیت اشاره کرد. همچنین اصل مذکور، ایرادات دارنده‌ای را که با حسن نیت نیست مورد حمایت قرار نمی‌دهد(صقری، ۱۳۸۷، ص ۶۰؛ نوری، ۱۳۸۳، ص ۱۷۲؛ کاویانی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۷؛ اسکینی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۲؛ اله‌آبادی، ۱۳۷۷، ص ۲۳).

اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات، که از لحاظ تاریخی ریشه اولیه آن به حقوق ژرمنی قدیم بر می‌گردد(صقری، ۱۳۹۰، ص ۱۰۷)، به ویژه به منظور تضمین چرخش ساده اسناد تجاری و اطمینان از نقل و انتقال این اسناد وضع گردیده است(کاویانی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۵؛ صقری، ۱۳۸۷، ص ۵۸؛ Ripert, 1981, p.162; Roblot, 1975, p.246).

به هر حال، اگر در حقوق فرانسه و نیز کنوانسیون ژنو و کنوانسیون آنستیرال، بر اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات تصریح گردیده است(کاویانی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۰؛ صقری، ۱۳۸۷، ص ۵۸؛ اله‌آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۹؛ Ripert, 1981, p.163) در حقوق تجارت ایران، نص صریحی در بیان اصل مزبور وجود ندارد؛ اما نویسندگان حقوقی، بر مبنای مواد قانون تجارت و به ویژه ماده ۲۴۹ آن، که اصل مسؤولیت امضاکنندگان را در مقابل دارنده سند تجاری مقرر می‌کند و ماده ۲۳۰ همان قانون که مقرر می‌دارد: «قبول کننده برات ملزم است وجه آن را در سر وعده تأدیه نماید»، بر وجود اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات، در حقوق ایران و حاکمیت آن بر اسناد تجاری به منظور حمایت از دارنده سند تجاری تأکید می‌کنند و در واقع، تأسیس قواعد حاکم بر مسؤولیت تضامنی، ظهنویسی، قبول برات و آثار آن در حقوق تجارت را بدون قبول تلویحی اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات امکان‌پذیر نمی‌دانند(اله‌آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۹؛ کاویانی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۲؛ صقری، ۱۳۸۷، ص ۵۶؛ نوری،

1- «La regle de inopposablitté de exception a son origin dans la droit germanique ancien ...»(Roblot, 1975, p.275).

۱۳۸۳، ص ۱۶۸؛ اسکینی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۰؛ ستوده تهرانی، ۱۳۷۴، ص ۱۵؛ اخلاقی، ۶۷-۱۳۶۶، ص ۱۲۴؛ حسینی تهرانی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۲).

همین‌طور رویه قضایی ما نیز در آرای متعددی، بر اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات در مقابل دارنده با حسن نیت سند تجاری تأکید نموده است. از جمله این آرا می‌توان به دادنامه شماره ۱۴۳۶ مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۲۸ (پرونده کلاسه ۱۳۸۴/۲۷/۸۴) استناد نمود. شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در دادنامه مزبور، با این استدلال که «چک، از اسناد تجاری است که به محض صدور، منفک از منشأ می‌گردد و اینکه در خصوص دارنده با حسن نیت ایرادات مسموع نیست» دادنامه دادگاه بدوی را تأیید نموده است (زندی، ۱۳۹۰، ص ۳۸).

همچنین شعبه ۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران نیز در تأیید رأی دادگاه بدوی، در رأی خود آورده است: «... زیرا چک از جمله اسناد تجاری بوده که پس از صدور، از منشأ خود منفک شده و ایرادات طرح شده از ناحیه نامبردگان (بر فرض صحت) با استناد به اصل تجریدی بودن اسناد تجاری نسبت به دارنده ثالث که با حسن نیت آن را دریافت داشته، قابلیت استناد نداشته ...» (زندی، ۱۳۹۰، ص ۶۱).

همسو با این آرا، شعبه سوم دیوان عالی کشور، در رأی شماره ۲۰۱ مورخ ۱۳۲۷/۲/۲ حکم داده است: «... به موجب مواد ۳۰۹ و ۳۴۹ قانون تجارت، کسی که سفته داده است در مقابل دارنده سفته مسؤول است و اعتراض او (به عنوان پرداخت وجه به ظهرنویس) وارد نخواهد بود» (عرفانی، ۱۳۸۰، ص ۴۳).

در آرای متعدد دیگری که از دادگاه‌های مختلف حقوقی صادر شده است (بازگیر، ۱۳۷۸، ص ۱۹۰؛ بهرامی، ۱۳۸۲، ص ۵۱؛ زندی، ۱۳۹۰، ص ۴۹؛ دمرچیلی، حاتمی و قرائی، ۱۳۸۱، صص ۵۱۲ به بعد)، وجود اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات، در حقوق ما مورد تأیید قرار گرفته و بر مبنای اصل مزبور، دارنده سند تجاری از چتر حمایتی آن برخوردار گردیده است.

۲-۷-۱) اصل استقلال امضائات

به موجب اصل استقلال امضائات، امضایی که بر روی سند تجاری انجام می‌شود اعم از این که از سوی صادرکننده یا ظهرنویس یا ضامن یا محال‌علیه در برات (برات‌گیر) باشد باید به طور مستقل و بی‌ارتباط با امضاهای دیگر در نظر گرفته شود؛ در واقع، هر امضایی بیانگر تعهدی مستقل از امضاهای دیگر است و در نتیجه، بطلان و عدم اعتبار هر یک از

امضائات، به امضاهاى دیگر تسرى پیدا نمى‌کند(اله‌آبادى، ۱۳۷۷، ص ۹؛ خزاعى، ۱۳۸۵، ص ۳۲؛ بهرامى، ۱۳۸۲، ص ۹۷).

پس اگر بعضى از امضاها بنا به دلایلى مانند واهى بودن امضا و غیر واقعى بودن آن، جعلی بودن امضا، عدم اهلیت امضاکننده و مانند آن، فاقد اعتبار شناخته شود این امر تأثیری در اعتبار سایر امضاها و وجود مسؤولیت امضاکنندگان سند تجاری نخواهد گذاشت و مسؤولان پرداخت سند تجاری نمى‌توانند در مقابل دارنده سند تجاری، به عدم اعتبار برخى از امضاها استناد کنند(اله‌آبادى، ۱۳۷۷، ص ۱۰).

به هر حال، هرچند قانون تجارت ما بر اصل مزبور مانند اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات، تصریحى ندارد اما غیر از ویژگی‌ها و اوصاف حاکم بر اسناد تجاری و لزوم حمایت از دارنده سند تجاری که وجود این اصل را اقتضا دارد از مواد قانون تجارت و به طور خاص مواد ۲۴۹، ۳۰۹ و ۳۱۴ آن قانون، مى‌توان این اصل را استنباط نمود(اله‌آبادى، ۱۳۷۷، ص ۱۳؛ بهرامى، ۱۳۸۲، ص ۹۹).

۸-۱) ممنوعیت اعطای مهلت عادلّه به مدیون سند تجاری

طبق قانون، دادگاه مى‌تواند برای پرداخت دین، به مدیون مهلت اعطا کند. به موجب قسمت اخیر ماده ۲۷۷ قانون مدنى: «... حاکم مى‌تواند نظر به وضعیت مدیون مهلت عادلّه یا قرار اقساط دهد».

ماده ۶۵۲ همین قانون در مورد قرض نیز مقرر کرده است: «در موقع مطالبه، حاکم مطابق اوضاع و احوال برای مقترض مهلت یا اقساطی قرار مى‌دهد». اوضاع و احوال مندرج در این ماده دارای مفهومی عام‌تر از «وضعیت مدیون» در ماده ۲۷۷ قانون مدنى است و مى‌تواند علاوه بر وضع مدیون، مواردی مانند کاهش ارزش پول و بحران‌های اقتصادی، حسن نیت مدیون و بنای دو طرف در قرارداد را هم دربرگیرد(کاتوزیان، ۱۳۷۹، ص ۱۴۳).

به هر حال، اعطای این مهلت که «اجل قضایی» یا «مهلت عادلّه» نیز خوانده مى‌شود موعدى است که دادگاه به منظور رعایت حال مدیون و کاستن از فشار مالی بر او یا رعایت بنای تراضی و اوضاع و احوال به او مى‌دهد و بدین وسیله اعمال اجرایی و اجبار مدیون را متوقف مى‌سازد(کاتوزیان، ۱۳۷۹، ص ۱۴۲).

موضوع مهمی که در اینجا به عنوان یکی از مزایای اسناد تجاری مطرح است

ممنوعیت قاضی از دادن مهلت به متعهد سند تجاری است. ماده ۲۶۹ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «محاکم نمی‌توانند بدون رضایت صاحب برات برای تأدیه وجه برات مهلتی بدهند».^۱ با توجه به مواد ۳۰۱ و ۳۱۴ قانون تجارت، ممنوعیت اعطای مهلت به مدیون سند تجاری که در ماده ۲۶۹ مذکور در مورد برات پیش‌بینی شده در مورد چک و سفته نیز جاری است و اعطای مهلت به متعهدهای چک و سفته بدون رضایت دارنده این اسناد امکان‌پذیر نیست (کاتوزیان، ۱۳۷۹، صص ۱۴۳ و ۱۴۴).

۲) امتیازات خاص چک

۲-۱) امکان تعقیب کیفری

طبق ماده ۷ قانون صدور چک، اگر چک در سررسید آن منتهی به پرداخت نشود دارنده چک می‌تواند از طریق طرح شکایت کیفری، تعقیب و مجازات صادرکننده چک را خواستار شود؛ به عبارت دیگر، صدور چک بلامحل و به تعبیر عام‌تر و صحیح‌تر آن، صدور چک پرداخت نشدنی، جرم تلقی شده است و با شکایت دارنده چک، صادرکننده چک قابل تعقیب و مجازات است (اسکینی، ۱۳۹۰، ص ۲۳۶؛ کاویانی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۹؛ قائم‌مقام فراهانی، ۱۳۸۷، ص ۳۳).

بدیهی است که طرح شکایت کیفری و استفاده از این راه جهت احقاق حق، امتیازاتی را برای دارنده چک دربردارد که مهم‌ترین آنها، صرف هزینه کمتر و به ویژه امکان رسیدگی سریع‌تر و احتمال نتیجه‌گیری زودتر است.

پس از طرح شکایت کیفری، احضاریه طبق ماده ۲۲ قانون صدور چک به نشانی بانکی متهم ابلاغ می‌شود و بدون توجه به این که آیا احضاریه به دست متهم یا به اطلاع وی رسیده است یا خیر و بر خلاف سایر جرایم و نیز بر خلاف دعاوی حقوقی، ابلاغ احضاریه به همان نشانی بانکی، ابلاغ محسوب می‌شود و متهم از طریق نشر آگهی احضار نخواهد شد و سایر موارد ضروری ابلاغ در پرونده کیفری، مانند ابلاغ رأی محکومیت،

۱- چنانچه دارنده برات به برات‌گیر جهت پرداخت وجه برات مهلت دهد دیگر حق رجوع به صادرکننده برات و نیز ظهرنویس‌ها را نخواهد داشت. در ماده ۲۵۷ قانون تجارت آمده است: «اگر دارنده برات به کسی که قبولی نوشته مهلتی برای پرداخت بدهد به ظهرنویس‌های ماقبل خود و برات‌دهنده که به مهلت مزبور رضایت نداده‌اند حق رجوع نخواهند داشت».

همانند ابلاغ احضاریه به همان نشانی بانکی صادرکننده ابلاغ خواهد شد. موضوع دیگری که احتمال نتیجه‌گیری سریع‌تر از طریق شکایت کیفری را افزایش می‌دهد این است که در صورت حضور متهم پس از احضار یا جلب وی، قاضی پس از تفهیم اتهام، طبق ماده ۱۸ قانون صدور چک باید یکی از قرارهای تأمین وثیقه یا کفالت را صادر نماید. این امر علاوه بر این که می‌تواند از فرار بعدی متهم و تضییع حقوق دارنده سند تجاری (شاکی) جلوگیری به عمل آورد در مواردی موجب می‌شود که متهم چک به لحاظ عدم امکان معرفی کفیل یا تودیع وثیقه و به لحاظ جلوگیری از بازداشت خود مبادرت به پرداخت وجه چک نموده و یا به هر نحو موجبات رضایت شاکی را فراهم آورد (صقری، ۱۳۸۷، ص ۳۲۲).

به هر حال، امکان شکایت کیفری دارنده چک پرداخت نشدنی، امتیاز مهمی است که قانونگذار با هدف رواج بیشتر چک و جایگزینی آن به جای اسکناس برای چک قائل گردیده است (صقری، ۱۳۸۷، ص ۲۴؛ میرمحمدصادقی، ۱۳۸۳، ص ۳۳۸). دارنده چک حق دارد در صورتی که چک بنا به هر علتی منتهی به پرداخت نشود از طریق طرح شکایت کیفری، اقدام قانونی لازم جهت احقاق حق خود به عمل آورد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۳، ص ۳۵۰).

۲-۲) امکان وصول وجه چک از طریق اجرائیه ثبتی

طبق ماده ۲ قانون صدور چک، چک‌هایی که به عهده بانک‌هایی که طبق قوانین ایران در داخل کشور دایر شده یا می‌شوند و همچنین شعب آنها در خارج از کشور، در حکم اسناد لازم‌الاجرا است و در صورتی که چک در سررسید آن پرداخت نگردد دارنده چک جهت وصول وجه چک از طریق اجرائیه ثبتی نیز می‌تواند اقدام کند (صقری، ۱۳۸۷، ص ۳۱۱، کاویانی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۰؛ خزاعی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۴؛ قائم مقام فراهانی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۱).

بنابراین، غیر از طرح دعوی حقوقی و شکایت کیفری، مراجعه به اداره ثبت و صدور اجرائیه ثبتی نیز یکی از راه‌هایی است که دارنده چک جهت وصول وجه آن در اختیار دارد. امکان وصول وجه چک از طریق صدور اجرائیه ثبتی امتیازی است که قانونگذار برای چک قائل شده است و در مواردی استفاده از این راه برای دارنده چک می‌تواند جهت وصول وجه چک مؤثر واقع گردد.

باید توجه داشت که صدور اجرائیه ثبتی علیه ضامن و ظهرنویس چک امکان‌پذیر نیست و در مورد صادرکننده نیز بانک باید مطابقت امضای صادرکننده در چک با نمونه

امضای وی در بانک را گواهی کرده باشد. در مورد این که آیا اجرائیه ثبتی تنها مبلغ چک را در برمی‌گیرد یا می‌توان خسارت تأخیر تأدیه را نیز از طریق اجرائیه ثبتی مطالبه نمود نظر و رویه عملی واحدی وجود ندارد (کاویانی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۲؛ قائم‌مقام فراهانی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۹؛ اصغری آق مشهدی و محمدزاده، ۱۳۹۱، ص ۳۵).

۲-۳) محاسبه خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ سررسید چک

طبق ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م، در دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج باشد طلبکار می‌تواند در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت، از دادگاه محکومیت مدیون را به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه تقاضا نماید. نکته مهمی که باید بدان توجه داشت این است که مبدأ احتساب خسارت تأخیر تأدیه از زمان «مطالبه طلبکار» است و نه تاریخ سررسید. مطالبه طلبکار می‌تواند با طرح دادخواست یا ابلاغ اظهارنامه و یا هر وسیله دیگری محقق گردد.

مصوبه تفسیری مجمع تشخیص مصلحت نظام مورخ ۱۳۷۷/۹/۲۱، صراحتاً تاریخ آغاز خسارت تأخیر تأدیه چک را تاریخ چک (سررسید چک) می‌داند و اعلام می‌دارد: «منظور از عبارت «کلیه خسارات و هزینه‌های لازم از قبیل هزینه‌های دادرسی ...» مذکور در تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۰۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام، خسارات تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده و هزینه دادرسی و حق الوکاله بر اساس تعرفه‌های قانونی است» (صقری، ۱۳۸۷، ص ۳۲۵).

۲-۴) مسؤول بودن شخصی که به وکالت یا نمایندگی چک را صادر می‌کند

طبق قواعد حاکم بر عقد وکالت، اگر وکیل یا نماینده در انجام امر مورد وکالت، از حدود اذن و اختیار خود تجاوز نکند مسؤولیتی متوجه وکیل نخواهد بود و اقدامات انجام شده و مسؤولیت آن دامن‌گیر موکل خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۱۸۹). در مورد سفته و برات نیز اگر وکیل یا نماینده، در صدور و امضای سفته یا برات از حقوق و اختیارات لازم برخوردار باشد موکل یا منوب‌عنه که سفته یا برات از سوی وی صادر شده است مسؤول پرداخت وجه آن است و وکیل یا نماینده مسؤولیتی نخواهد داشت؛ در واقع، در اسناد تجاری «قاعده کلی در نمایندگی حکایت از مسؤولیت اصیل دارد مگر در مواردی که نماینده

ادعایی فاقد نمایندگی بوده و یا از حدود اختیار تجاوز کرده باشد و یا با وجود داشتن اختیار کافی در هنگام امضا به نمایندگی خود در سند تصریح ننموده و هویت منوب عنه را افشا نکرده باشد» (نیک فرجام، ۱۳۹۲، ص ۱۷۹).

اما در مورد چک، حکم خاص قانونی وجود دارد و قانونگذار در ماده ۱۹ قانون صدور چک، علاوه بر صاحب حساب، صادرکننده چک را نیز که چک را به وکالت یا نمایندگی از صاحب حساب صادر می‌کند مسؤؤل پرداخت وجه چک اعلام نموده است (صقری، ۱۳۸۷، ص ۳۰۸). بالاتر از آن، وکیل یا نماینده را از لحاظ کیفی نیز قابل تعقیب دانسته است مگر این که ثابت نماید که عدم پرداخت، مستند به عمل دیگری (صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی) است.

از جمله اهداف قانونگذار در پیش‌بینی مسؤولیت وکیل یا نماینده‌ای که از طرف دیگری اقدام به صدور چک می‌نماید می‌توان به ضرورت رعایت دقت و احتیاط‌های لازم از سوی اشخاصی که به وکالت یا نمایندگی مبادرت به صدور چک می‌نمایند و همچنین جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی در صدور چک و در مجموع افزایش ارزش و اعتبار چک اشاره کرد. به تعبیر یکی از اساتید حقوق تجارت، «هدف قانونگذار در وضع حکم خاص در مورد چک، از یک طرف جلوگیری از سوءاستفاده در مورد صدور و امضای چک به وکالت و نمایندگی و از طرف دیگر افزایش ارزش و اعتبار چک در بین مردم بوده است و به این وسیله خواسته است از حجم رو به گسترش صدور چک‌های بلامحل که اعتبار و حیثیت اسناد تجاری را خدشه‌دار می‌سازد، بکاهد و مردم را اعم از اصیل و وکیل با اهمیت صدور و امضای چنین سند تجاری آشنا کند» (اخلاقی، ۶۷-۱۳۶۶، ص ۲۵۴).

۵-۲) ناچیز بودن حق تمبر مالیاتی

به موجب ماده ۴۵ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ با اصلاحات بعدی آن، میزان تمبر مالیاتی که از سفته و برات اخذ می‌شود نیم در هزار است؛ به عبارت دیگر، میزان مالیات سفته و برات بسته به مبلغ آنها متغیر است. البته با اصلاحات صورت گرفته در قانون، مبلغ مالیاتی مزبور به نیم در هزار کاهش یافته است؛ به عنوان مثال، چنانچه شخصی بخواهد مبلغ ده میلیون ریال سفته صادر نماید باید مبلغ پنج هزار ریال و برای سفته با مبلغ یکصد میلیون ریال باید پنجاه هزار ریال به عنوان حق تمبر مالیاتی پرداخت نماید و در سفته‌های با مبالغ بالا، به همین میزان حق تمبر مالیاتی افزایش می‌یابد؛ اما در

مورد چک، طبق ماده ۴۴ همین قانون، از هر برگ چک که از طرف بانک‌ها چاپ می‌شود در موقع چاپ، دو ریال (با اصلاحات صورت گرفته این مبلغ به ده هزار ریال افزایش یافته است) حق تمبر اخذ می‌گردد.

بر خلاف سفته و برات، میزان تمبر مالیاتی چک ثابت است؛ بنابراین، صادرکننده‌ای که مبلغ بسیار زیادی را در چک قید می‌نماید همان مبلغ ثابت یعنی ده هزار ریال مقرر را پرداخت می‌کند. یکی از دلایلی که موجب افزایش استفاده از چک گردیده است ناچیز بودن حق تمبر مالیاتی چک و به ویژه در مقایسه با سفته و برات بوده است؛ امری که مورد انتقاد حقوقدانان نیز قرار گرفته است.

بنا به نوشته یکی از نویسندگان، «... تنها اسنادی که مورد غضب قانونگذار قرار گرفته‌اند سفته و برات‌اند؛ زیرا صادرکننده چک به هر مبلغ و به هر میزان و خرد یا کلان، با پرداخت دو ریال حق تمبر در چک درج و آن را صادر می‌نماید ولی اگر خواسته باشد از سفته یا برات استفاده نماید به ازای هر یک هزار ریال، پنج ریال و به ازای هر هزار میلیارد ریال، پنج میلیارد ریال باید حق تمبر بپردازد. تحت این شرایط، متعهدی که پول ندارد همیشه ترجیح خواهد داد که دین خود را با چک ارزان قیمت (مفت طلایی) بپردازد» (خزاعی، ۱۳۸۵، ص ۳۰).

۶-۲) عدم اجبار دارنده چک به قبول بخشی از مبلغ چک

یکی از نتایج لزوم یگانگی بین طلب و تأدیه این است که مجموع طلب یکباره پرداخته شود و مدیون نتواند آن را به اقساط تبدیل کند. تجزیه پرداخت، از ارزش آن می‌کاهد و طلبی که به اقساط پرداخته می‌شود همان ارزشی نیست که مدیون در قرارداد به عهده گرفته است؛ هرچند که مجموع تأدیه نیز به تأخیر بیفتد. ماده ۲۷۷ قانون مدنی در این باره می‌گوید: «متعهد نمی‌تواند متعهدله را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد نماید ...» (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۵۴).

با وجود قاعده کلی قابل تجزیه نبودن پرداخت، که در ماده ۲۷۷ قانون مدنی مذکور افتاده است ماده ۲۶۸ قانون تجارت در مورد برات مقرر کرده است: «اگر مبلغی از وجه برات پرداخته شود، به همان اندازه، برات‌دهنده و ظهرنویس‌ها بری می‌شوند و دارنده برات فقط نسبت به بقیه می‌تواند اعتراض کند»؛ یعنی دارنده برات ناچار است که بخشی از طلب خود را بگیرد. با توجه به ماده ۳۰۹ قانون تجارت، این حکم در مورد سفته نیز اجرا

می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۵۷) و دارنده سفته نیز باید پرداخت قسمتی از وجه سفته را قبول کند.

نویسندگان، امکان تجزیه پرداخت در برات و سفته را که برخلاف قاعده کلی پرداخت-های مدنی است بر دو اصل مبتنی دانسته‌اند: «یکی این که پرداخت قسمتی از وجه برات فقط مربوط به دارنده برات نیست بلکه به همان میزان، تعهد تضامنی سایر مسؤولین برات را کاهش می‌دهد. مسؤولین مزبور ذی نفع می‌باشند که لااقل قسمتی از تعهدات آنها از بین می‌رود. ثانیاً تاجر همواره می‌تواند وجوه پرداختی را به کار اندازد و آن را مورد استفاده قرار دهد» (ستوده تهرانی، ۱۳۷۴، ص ۷۱؛ برای دیدن تحلیل‌های مشابه در خصوص علت تجزیه‌پذیری پرداخت وجه برات و سفته، ر.ک: خزاعی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۰؛ اسکینی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۲؛ اخلاقی، ۶۷-۱۳۶۶، ص ۱۴۵؛ صفری، ۱۳۸۷، ص ۱۲۲).

به هر حال، برخلاف قاعده مقرر در مورد برات و سفته که دارنده سند مجبور به پذیرش پرداخت جزئی از مبلغ برات یا سفته است قانونگذار در مورد چک، به موجب ماده ۵ قانون صدور چک، دارنده چک را در پذیرش پرداخت جزئی از مبلغ چک یا عدم پذیرش آن مختار دانسته است. با توجه به ماده مزبور، در صورتی که بخشی از مبلغ چک آماده پرداخت باشد (کسر موجودی)، دارنده چک بر خلاف سفته و برات می‌تواند پرداخت آن را قبول نکند و برای کل مبلغ چک اعتراض نماید (تقاضای صدور گواهی عدم پرداخت) و یا با دریافت مبلغ مزبور، برای مابقی مبلغ پرداخت نشده، از بانک گواهی دریافت کند. در هر یک از دو حالت، حق دارنده چک برای طرح دعوی حقوقی به طرفیت امضاکنندگان چک و نیز طرح شکایت کیفری علیه صادرکننده چک محفوظ خواهد بود.

۲-۷) رسیدگی فوری و خارج از نوبت به دعوی حقوقی و کیفری مربوط به چک

طبق ماده ۱۶ قانون صدور چک: «رسیدگی به کلیه شکایات و دعوی جزایی و حقوقی مربوط به چک در دادسرا و دادگاه تا خاتمه دادرسی فوری و خارج از نوبت به عمل خواهد آمد». ماده ۲۲ همین قانون نیز در جهت رسیدگی فوری به شکایت کیفری دارنده چک، آخرین نشانی متهم در بانک محال علیه را اقامتگاه قانونی متهم اعلام نموده است. چنانچه متهم در نشانی مزبور شناخته نشود یا چنین محلی وجود نداشته باشد گواهی مأمور ابلاغ به منزله ابلاغ اوراق تلقی می‌شود و در نتیجه نیازی به ابلاغ از طریق نشر آگهی در

روزنامه نخواهد بود. این امر می‌تواند به رسیدگی سریع‌تر در شکایت کیفری دارنده چک کمک نماید.

۸-۲) مزایای عملی چک نسبت به سفته و برات

مزایای قانون که در مورد چک برشمرده‌ایم موجب برتری جایگاه چک نسبت به سایر اسناد تجاری و تمایل بیشتر اشخاص به انتخاب این سند تجاری گردیده است. در کنار این امتیازات قانونی، چک از بعضی امتیازات عملی نیز برخوردار است که در وادار ساختن اشخاص به انتخاب چک به عنوان سند تجاری برتر بسیار مؤثر می‌باشد. از جمله این مزایای عملی این است که اقدامات قضایی دارنده چک جهت وصول وجه چک، نسبت به سفته و برات پرداخت نشده، با سهولت بیشتری انجام می‌پذیرد؛ زیرا به موجب رأی وحدت رویه شماره ۵۳۶ مورخ ۱۳۶۹/۷/۱۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور که مورد انتقاد اساتید حقوق نیز قرار گرفته است (ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۵۷) با وجود گواهی عدم پرداخت، دارنده چک جهت استفاده از مزایای چک به عنوان سند تجاری و به طور خاص، امتیاز مسؤلیت تضامنی، نیازی به اعتراض عدم تأدیه ندارد و در واقع، رأی هیأت عمومی دیوان عالی کشور، گواهی عدم پرداخت در چک را جایگزین اعتراض عدم تأدیه نموده است.

حال، بدون آن که لازم باشد وارد شرایط و نحوه صدور اعتراض عدم تأدیه (واخواست) شویم باید بگوییم که به طور کلی اخذ گواهی عدم پرداخت در چک، با صرف هزینه کمتر و راحت‌تر از اعتراض عدم تأدیه (واخواست) در سفته یا برات صورت می‌گیرد. همچنین چون در چک غالباً غیر از صادرکننده و دارنده چک، شخص سوّمی به نام بانک نیز حضور دارد اشخاص، اعتبار بیشتری برای این سند نسبت به سفته و برات قائلند و با رغبت بیشتری چک را نسبت به اسناد دیگر قبول می‌کنند (اسکینی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۰). دخیل بودن بانک در چک، به ویژه این ذهنیت را برای اشخاص ایجاد می‌کند که بانک قبل از دادن دسته چک به مشتریان خود، بررسی‌ها و اعتبارسنجی‌های لازم را انجام داده و صادرکننده چک از اعتبار کافی نزد بانک برخوردار است (اسکینی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۱). وجود مشخصات، نشانی و رونوشت مدارک هویتی صادرکننده چک (صاحب حساب) در بانک نیز در ایجاد اطمینان بیشتر اشخاص نسبت به چک مؤثر است؛ اما در سفته، پذیرش سفته از سوی متعهد به عنوان وسیله ایفای تعهد، غالباً بر شناخت و اعتماد وی نسبت به متعهد سفته متکی است. همین تفاوت میان چک و سفته و نیز امتیازات قانونی چک، سبب گردیده

است که چک نسبت به سفته بیشتر مورد نقل و انتقال قرار گیرد و اشخاص راحت‌تر از سفته، چک ظهرنویسی شده را به عنوان وسیله ایفای تعهد مورد پذیرش قرار دهند.^۱ در کنار عوامل دیگر مانند رواج وسایل و پرداخت‌های الکترونیکی، امتیازات خاص چک موجب حذف برات از صحنه تجارت داخلی و کمتر شدن میزان استفاده از سفته و به طور کلی جایگزینی چک به جای برات و تا حدودی جایگزینی آن به جای سفته گردیده است؛ در حالی که برات و به ویژه سفته به عنوان ابزارهای پرداخت اعتباری و مدت‌دار هستند چک اصولاً وسیلهٔ پرداخت نقدی و بدون مدت است^۲ (Roblot, 1975, p.11; Gavalda, 1978, p.335)؛ در واقع، هر یک از اسناد تجاری، دارای ماهیت و کارکرد ویژه خود می‌باشند (Ripert, 1981, p.101) و باید نقش خاص خود را بر مبنای ماهیت و کارکردی که برای آنها ترسیم شده است عهده‌دار گردند (کاویانی، ۱۳۸۹، صص ۲۸، ۱۸ و ۳۲). قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ نیز چک را به عنوان وسیله پرداخت نقدی و نه مدت‌دار می‌شناسد؛ زیرا قسمت آخر ماده ۳۱۱ قانون مذکور مقرر کرده است: «... پرداخت وجه چک نباید وعده داشته باشد» و ماده ۳۱۳ همان قانون نیز آورده است: «وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود». با این حال، در طول سالیان، استفاده از چک، چنان افزایش یافت که با جایگزین شدن به جای برات و سفته، به عنوان وسیلهٔ پرداخت اعتباری و مدت‌دار^۳ ایفای نقش نمود و در حال حاضر، غالباً چک نه برای پرداخت‌های نقدی بلکه برای ایفای تعهدات مدت‌دار و اعتباری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

قانونگذار نیز این وضعیت، یعنی صدور چک‌های وعده‌دار را تأیید نموده است. در ماده ۳ مکرر قانون صدور چک (الحاقی سال ۱۳۸۲) می‌خوانیم: «چک فقط در تاریخ مندرج در

۱- در اغلب موارد، مدیون نیز ارائه چک را (از طریق صدور چک یا ظهرنویس آن) به عنوان وسیله ایفای تعهد، بر سفته ترجیح می‌دهد؛ زیرا علاوه بر این که ارائه چک ساده‌تر و ارزان‌تر از سفته است پرداخت وجه چک نیز از لحاظ عملی با سادگی بیشتری نسبت به وجه سفته صورت می‌گیرد.

۲- «La cheque n'est qu'un instrument de payment toujours payable à vue» (Roblot, 1975, p.11).

۳- «امروزه در ایران، چک در اکثر موارد به جای برات و سفته به کار می‌رود. برات و سفته، سند اعتباری است و در سطح جهانی بین بازرگانان در معاملات مدت‌دار مورد استفاده قرار می‌گیرند ... و به علت امتیازاتی که مقررات قانونی یا رویه قضایی برای چک بر قرار ساخته، تقریباً همه افراد به جای استفاده از برات و سفته، چک صادر می‌کنند» (فخاری، ۱۳۸۷، صص ۱۳۳ و ۱۳۴).

آن یا پس از تاریخ مذکور قابل وصول از بانک خواهد بود؛ بنابراین، اگر چک به صورت وعده‌دار صادر گردد به محض ارائه، قابل کارسازی و پرداخت در بانک نیست و باید پس از رسیدن سررسید، به بانک ارائه گردد (فائمه مقام فراهانی، ۱۳۸۷، ص ۲۳)، امری که بیش از هر چیز نشانگر انحراف چک از هدف و شأن ذاتی خود به عنوان «یک ابزار پرداخت فوری و معادل وجه نقد» است (صقری، ۱۳۸۷، ص ۲۴).^۱ با آن که نظام قانونگذاری ما در مورد چک تغییر و تحولات متعددی را شاهد بوده اما مقررات حاکم بر آن همواره نارسا و نیازمند اصلاحات بوده است (اخلاقی، ۸۲-۱۳۸۱، ص ۲۰۵)؛ موضوعی که در حال حاضر نیز در مورد چک و نیز سایر اسناد تجاری دیگر لازم است صورت پذیرد و قانون جامعی، حقوق حاکم بر اسناد تجاری را به طور دقیق مشخص سازد.



۱- «به صراحت مواد ۳ مکرر و ۱۳ قانون صدور چک، دارنده چک مدت‌دار، یعنی چکی که در آن، به نوعی تاریخ متن مؤخر بر تاریخ حقیقی صدور است، مجاز به ارائه و مطالبه پیش از تاریخ سند (یا به عبارتی سررسید) نخواهد بود. این روش به نقش چک به عنوان ابزار صرفاً پرداخت لطمه وارد نموده و عملاً موجب سلب قابلیت گردش اعتبارات از طریق برات می‌گردد» (صقری، ۱۳۸۷، ص ۲۶۷).

نتیجه

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که:

- (۱) پیش‌بینی مسؤولیت تضامنی و امکان طرح دعوا علیه کلیه امضاکنندگان سند به عنوان مهم‌ترین امتیاز اسناد تجاری و نیز اعطای امتیازات دیگر در مورد اسناد یاد شده، با هدف حمایت از اسناد تجاری و بالا بردن اعتبار این اسناد و در نتیجه رواج هرچه بیشتر اسناد تجاری در میان جامعه تجار و نیز اشخاص غیر تاجر و به طور کلی جایگزینی آنها به جای پول صورت گرفته است. اعطای امتیازات به اسناد تجاری، به صورت یکنواخت صورت نگرفته است و بخشی از این امتیازات به هر سند تجاری، چک، سفته و برات تسری داده شده است اما قسمت دیگری از این امتیازات تنها به چک اختصاص یافته و همین تبعیض موجب گردیده است که چک در میان اسناد تجاری، موقعیت ویژه و ممتازی پیدا کند.
- (۲) مزایای خاص چک در مقایسه با برات و سفته، مهم‌ترین عاملی بوده که منجر به متروک گردیدن برات در تجارت داخلی و کمتر شدن میزان استفاده از سفته گردیده است. در این میان، پیش‌بینی مسؤولیت کیفری در قبال عدم پرداخت چک و امکان طرح شکایت کیفری دارنده چک و نیز مالیات ثابت و ناچیز چک در مقایسه با مالیات سفته و برات، از مهم‌ترین امتیازات چک بوده است که در اقبال اشخاص به چک و جایگزینی آن به جای اسناد تجاری دیگر، بیشترین نقش را داشته است.
- (۳) پیشنهاد می‌شود به منظور نقش‌آفرینی هر یک از اسناد تجاری به جای خود و استفاده بیشتر از اسناد تجاری دیگر و به طور خاص سفته، امتیازات خاص چک مورد بازبینی قرار گیرد و قسمتی از این امتیازات که لطمه‌ای به حقوق دارنده چک و خللی به میزان استفاده از آن به عنوان یک سند جایگزین پول وارد نمی‌سازد از این سند تجاری برداشته شود یا به سفته نیز تسری یابد. به نظر می‌رسد که مهم‌ترین امتیاز و نابرابری در این میان، تبعیض در مالیات پرداختی این دو سند است و ضرورت دارد که در جهت ایجاد تعادل در میزان مالیات پرداختی چک و اسناد دیگر، اصلاح لازم در قانون صورت گیرد. همچنین مبدأ شروع خسارت تأخیر تأدیه در چک نیز می‌تواند با اسناد تجاری دیگر و قاعده کلی هماهنگ گردد یا این امتیاز به اسناد تجاری دیگر نیز تسری داده شود. در اصلاح مقررات فعلی و وضع قانون جدید لازم است جهت بازگرداندن چک به

جایگاه اصلی خود به عنوان سند پرداخت نقدی، توجه لازم مبذول گردد. (۴) به طور طبیعی، جایگزینی چک به جای اسناد تجاری دیگر و رواج استفاده از آن موجب طرح دعاوی بی‌شمار و تشکیل پرونده‌های متعدد حقوقی و کیفری در مراجع قضایی گردیده است. به منظور کاهش این دعاوی و اجرای صحیح و سریع عدالت و با هدف رفع ابهام و اجمال و سکوت و نقص از قانون و به طور کلی، دقیق و جامع‌تر شدن قانون حاکم، ضروری است با مطالعه و بررسی لازم، قانون جامعی در مورد چک و سایر اسناد تجاری وضع گردد.



فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ۱- اخلاقی، بهروز؛ تاریخچه و ضرورت اصلاح قوانین ناظر بر چک، مجله پژوهش‌های حقوقی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، شماره ۲، ۸۲-۱۳۸۱.
- ۲- اخلاقی، بهروز؛ تقریرات درس حقوق تجارت ۳ (اسناد تجاری)، دوره کارشناسی حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۶۷-۱۳۶۶.
- ۳- اسکینی، ربیعا؛ حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)، سمت، چاپ دوم و پانزدهم، تهران، ۱۳۷۴ و ۱۳۹۰.
- ۴- اسکینی، ربیعا؛ ماهیت و شرایط مسئولیت ضامن چک در حقوق ایران، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۲، ۱۳۸۸.
- ۵- اسکینی، ربیعا؛ نقش بانک‌ها در پیشگیری از صدور چک بلامحل، نامه مفید (مجله دانشگاه مفید)، سال نهم، ۱۳۸۲.
- ۶- اصغری آق مشهدی، فخرالدین و محمدزاده، علی؛ خسارت تأخیر تأدیه چک‌های مطالبه شده توسط اجرائیه ثبت، فصلنامه نقد رأی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، شماره اول، ۱۳۹۱.
- ۷- افتخاری، جواد؛ اسناد تجاری، بانکی، خزانه و اوراق قرضه و اسناد حمل و نقل، انتشارات ققنوس، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۴.
- ۸- اله‌آبادی، کمال؛ اصل استقلال امضاها و عدم توجه ایرادات در اسناد تجاری، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، شماره ۱۱-۱۰، ۱۳۷۷.
- ۹- بازگیر، یداله؛ موازین حقوق تجارت در آرای دیوان عالی کشور، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷.
- ۱۰- بهرامی، بهرام؛ حقوق تجارت کاربردی، انتشارات نگاه بینه، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲.
- ۱۱- پروین، فرهاد؛ تعارض قوانین در اسناد تجاری بین‌المللی، مجله پژوهش حقوق و سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۷، ۱۳۸۱.
- ۱۲- حسینی، حسن؛ حقوق تجارت، جلد سوم، میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹.
- ۱۳- حسینی تهرانی، مرتضی؛ ظهرنویسی، مقررات و انواع آن، فصلنامه حق، دفتر چهارم، ۱۳۸۴.

- ۱۴- خزاعی، حسین؛ حقوق تجارت (اسناد تجاری)، جلد سوم، نشر قانون، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵.
- ۱۵- دمرچیلی، محمد و حاتمی، علی و قرائی، محسن؛ قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، نشر خلیج فارس، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۱.
- ۱۶- زندی، محمدرضا؛ رویه قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران در امور مدنی (اسناد تجاری)، انتشارات جنگل، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۰.
- ۱۷- ستوده تهرانی، حسن؛ حقوق تجارت، جلد سوم، نشر دادگستر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴.
- ۱۸- سلطانیان، صحبت‌الله؛ کارگاه آموزش حقوق، جلد چهارم، نشر میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۸.
- ۱۹- سماواتی، حشمت‌الله؛ حقوق مطالعات بین‌المللی (نظری و کاربردی)، انتشارات ققنوس، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷.
- ۲۰- شمس، عبدالله؛ آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، انتشارات دراک، چاپ ششم، تهران، ۱۳۸۵.
- ۲۱- صقری، محمد؛ اعتبار صحت ظاهری در حقوق تجارت (بحثی در حقوق ایران و فرانسه)، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، سال شانزدهم، شماره ۵۳، ۱۳۹۰.
- ۲۲- صقری، محمد؛ حقوق بازرگانی اسناد، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۸۷.
- ۲۳- عابدیان، میرحسین؛ صلاحیت تخییری دادگاه محل استقرار بانک محال‌علیه در دعوی مطالبه وجه چک، مجله الهیات و حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۲۳، ۱۳۸۶.
- ۲۴- عبادی، محمدعلی؛ حقوق تجارت، انتشارات گنج دانش، چاپ سی و یکم، تهران، ۱۳۸۱.
- ۲۵- عرفانی، توفیق؛ اسناد و دعاوی تجاری در آرای دیوان عالی کشور، انتشارات ققنوس، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰.
- ۲۶- عرفانی، محمود؛ حقوق تجارت، جلد سوم، انتشارات جنگل، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۰.

- ۲۷- فخاری، امیرحسین؛ حقوق تجارت (اندیشه‌های حقوقی ۳)، انتشارات مجد، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷.
- ۲۸- قائم مقام فراهانی، محمدحسین؛ بررسی مسائل کنونی و حقوقی چک، نشر میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷.
- ۲۹- کاتبی، حسینقلی؛ حقوق تجارت، گنج دانش، چاپ دوازدهم، تهران، ۱۳۸۷.
- ۳۰- کاتوزیان، ناصر؛ قواعد عمومی قراردادها (اجرای قرارداد)، جلد چهارم، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۶.
- ۳۱- کاتوزیان، ناصر؛ مسئولیت ظهن‌نویس و ضامنان چک (توجیه و نقد رویه قضایی)، نشر دادگستر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷.
- ۳۲- کاتوزیان، ناصر؛ نظریه عمومی تعهدات، نشر دادگستر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹.
- ۳۳- کاویانی، کوروش؛ حقوق اسناد تجاری، نشر میزان، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۹.
- ۳۴- متین دفتری، احمد؛ آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد اول، انتشارات مجد، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸.
- ۳۵- مؤسسه مطالعات و پژوهش حقوقی شهر دانش؛ میزگرد راجع به اصلاح قانون چک، مجله پژوهش‌های حقوقی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، شماره ۲، ۱۳۸۲-۱۳۸۱.
- ۳۶- میرمحمدصادقی، حسین؛ جرایم علیه اموال و مالکیت، نشر میزان، چاپ یازدهم، تهران، ۱۳۸۳.
- ۳۷- نوری، محمد؛ اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات در اسناد تجاری، مجله الهیات و حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال چهارم، شماره ۱۳، ۱۳۸۳.
- ۳۸- نیک فرجام، کمال؛ مطالعه تطبیقی نمایندگی در امضای اسناد تجاری، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، شماره ۶۲، ۱۳۹۲.

ب) منابع خارجی

- 39- Furmston, Michael & Chuah, Jason, *Commercial and consumer law*, longman, first published, England, 2010.
- 40- Gavalda, Christian, *Droit commercial, Cheques et effets de commerce*, paris, hemis, 1978.

- 41- Richardson, Dudley, *A guide to negotiable instruments*, be éd, longman, butter worth, 1980.
- 42- Ripert, Georges, *Droit commercial*, 9éd, paris, L.G.D.J, 1981.
- 43- Roblot, René, *Les effetts de commerce*, paris, edition serey, 1975.
- 44- Rodière, René et oppetit, Bruno, *Droit commercial*, 9éd, paris, dalloz, 1978.



Some Reflections on The Privileges of Commercial Documents and The Issue of Substitution of Cheque for Other Commercial Documents

Yousef Darvishi Hoveida*

Received:24/2/2016

Accepted:21/5/2016

Abstract:

The legislature, for the purpose of commercial documents and their increased use by individuals, has provided different privileges. Some of these privileges is applicable commonly to the bills of exchange, promissory notes and cheques. However, the other part has been assigned only to this commercial document as the special privileges of checks. There are some special privileges for cheque. It is necessary to mention that cheque contributes to commercial transactions as a substitute for promissory note. The bill of exchange has been removed from the internal commercial arena. This paper intends to scrutinize the contexts for substituting the cheque in place of the other commercial documents by investigating the common privileges of commercial documents in addition to the special privileges of cheque.

Key words: commercial documents, cheque, promissory note, bill of exchange, privileges.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

*Assistant Professor in Jurisprudence and Law Department of Tehran Central Branch of Islamic Azad University.
yousefdarvishihoveyda@yahoo.com